

اگرچه نیت خوبی است زیستن ...
اما خوشا که دست به تصمیم بهتری بزنیم!

 www.konkursara.com

 ۰۲۱۵۵۷۵۶۵۰۰

دانلود بهترین جزوات در

کنکورسرا

کنکورسرا

مرجع تخصصی قبولی آزمون فرهنگیان و آزمون استخدامی آموزش و پرورش

فصل سوم – درس نهم : چیستی انسان (۱)

- وقتی که می گوید « من می خواهم » ، « من می نویسم » ، « من قبول دارم » ، « من دوست دارم » منظور آن از « من » چیست؟
- آیا مقصودتان جسم و بدن شماست؟ اندیشه و ذهنتان است؟ احساسات و عواطف و خاطرات شماست؟ یا همه اینها متعلق به آن حقیقتی است که آن را « من » می نامید؟
- یکی از مسائل مورد توجه فیلسوفان از ابتدای شکل گیری فلسفه تاکنون مسئله « حقیقت انسان » بوده است.
- فیلسوفان در این مورد نظرات مختلف و گاه متضادی بیان کرده اند.

□ دوره یونان باستان

❖ دیدگاه افلاطون :

- نظر دقیق و روشن درباره انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب افلاطون ابراز شد .
- از آنجا که مجموعه آثار افلاطون منعکس کننده اندیشه های سقراط نیز هست، می توان گفت که دیدگاه افلاطون، به میزان زیادی، منعکس کننده دیدگاه استاد وی، سقراط هست.
- افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت های بدن را ندارد.
- به عقیده افلاطون، حقیقت برتر انسان نفس است که قابل رؤیت نیست.
- از نظر افلاطون، نفس با ارزش ترین دارایی انسان است و توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد.
- به عقیده افلاطون، « تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است »
- به عقیده افلاطون، نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند و غیر فانی و جاوید است »

❖ دیدگاه ارسطو

- ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن.
- به عقیده ارسطو، بدن بدون نفس، یک موجود مرده است.
- از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر. نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به « فعلیت » می رسد و کامل و کامل تر می شود.
- مقصود از « ناطق » بودن انسان هم صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است.
- انسان با قوه تفکر خود استدلال می کند؛ یعنی از تصدیقات و تصورات خود کمک می گیرد و استدلال را سامان می دهد. گویا در هنگام استدلال، با خود نطق می کند. پس از تنظیم استدلال نیز با سخن گفتن و نطق محتوای استدلال را به دیگران منتقل می نماید.

□ دوره جدید اروپا :

- در دوره جدید اروپا، همان طور که فیلسوفان اروپایی از جهت معرفت شناسی به دو گروه « تجربه گرایی » و « عقل گرایی » تقسیم شدند، از جهت انسان شناسی نیز به تدریج، دو تلقی از انسان پیدا کردند و دو جریان را پدید آوردند که تاکنون نیز این دو جریان همچنان در مباحثات فلسفی اروپا حضور دارند؛ البته یکی از این دو، حضور فعال تر و تأثیرگذارتری بر فرهنگ و زندگی اروپاییان معاصر داشته است.

❖ جریان معتقد به وجود نفس :

- جریان عقل گرایی، همانند افلاطون و ارسطو، معتقد به وجود « روح » یا « نفس » است.
- فلاسفه جریان عقل گرایی برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را روح و نفس می دانند.

❖ جریان منکر نفس :

- جریان تجربه گرا، به این سو تمایل دارند که اصولاً وجود « نفس » را انکار می کنند.
- فلاسفه جریان تجربه گرایی، انسان را یا یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند.

□ معتقدین به وجود نفس:

❖ دیدگاه دکارت (فیلسوف فرانسوی):

- دکارت، که درباره بدن و درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار فعالیت می کند.
- به عقیده دکارت بدن، حقیقت « من » انسان را تشکیل نمی دهد.
- از نظر دکارت، « من » همان « روح » یا « نفس » است که مرکز اندیشه های ماست.
- از نظر دکارت، روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.
- از نظر دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می کند.
- به نظر دکارت، روح از قوانین فیزیکی آزاد است اما بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند و آزاد نیست.

❖ دیدگاه کانت (فیلسوف آلمانی قرن ۱۸):

- کانت، با استدلال دیگری که با استدلال دکارت متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت و از این راه راه نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد.
- به عقیده کانت، انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد.
- به نظر کانت، اختیار ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.
- دکارت و کانت، اعتقاد دارند که انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است.

□ تک ساحتی بودن انسان

- ماتریالیست ها فیلسوفانی هستند که معتقدند همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ماده ساخته شده است.
- به عقیده ماتریالیست ، همه موجودات ، فقط یک بُعد و یک ساحت دارند که همان بُعد مادی و جسمانی است.
- ماتریالیست ها می گویند ذهن و روان چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست.
- از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.

❖ دیدگاه توماس هابز (فیلسوف ماتریالیست قرن ۱۸ انگلستان) :

- هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند

❖ دیدگاه مارکس (فیلسوف ماتریالیست قرن ۱۹) :

- مارکس، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهای ماند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند .

□ دیدگاه داروینیست ها :

- داروینیست ها، که عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند، فیلسوفانی هستند که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند.
- داروینیست ها، می گویند « انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت » با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده می شوند، انسان نیز با آنها تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد.
- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.
- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد.
- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی ، به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند .
- به نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، زیست اجتماعی است که انسان ها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

سوالات تشریحی

- ۱- عقیده افلاطون درباره روح و بدن انسان را توضیح دهید.
افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتری به نام نفس است که محدودیت های بدن را ندارد و قابل رؤیت نیست. به عقیده افلاطون، «نفس تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد، چیزی نامرئی، غیر فانی و جاوید است»
- ۲- به عقیده افلاطون حقیقت برتر انسان چیست و چه ویژگی هایی دارد؟ (ذکر سه ویژگی کافی است)
نفس - غیر قابل رؤیت (نامرئی)، مجرد، جاوید (غیرفانی)، جزء عقلانی، دارای عقل و خرد
- ۳- عقیده ارسطو درباره روح و بدن انسان را توضیح دهید.
ارسطو نظر استاد خود افلاطون را پذیرفت که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. به عقیده ارسطو، بدن بدون نفس، یک موجود مرده است.
به نظر ارسطو؛ نفس انسان به هنگام تولد چگونه است و چگونه کامل می شود؟
از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد، نه علم، نه احساس، نه محبت و نه نفرت و نه هیچ چیز دیگر. نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به « فعلیت » می رسد و کامل و کامل تر می شود.
- ۴- به عقیده ارسطو، تفکر و نطق مربوط به کدام بعد وجودی انسان است؟
مربوط به بُعد غیرمادی وجود انسان، یعنی «روح» است. به نظر ارسطو، روح است که می اندیشد، اراده می کند و از بدن در کارهای مختلف بهره می گیرد.
- ۵- در مورد انسان شناسی در دوره جدید اروپا، شاهد دو نوع جریان فلسفی بوده ایم؟ عقیده آن دو جریان را بنویسید.
جریانی که همانند افلاطون و ارسطو، معتقد به وجود «روح» یا «نفس» است. فلاسفه این جریان، برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را همان روح و نفس وی می دانند.
و جریانی که تمایل دارند اصولاً وجود «نفس» را انکار می کنند. فلاسفه این جریان، انسان را یا یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند.
- ۶- عقیده جریانی که در دوره جدید اروپا اصولاً وجود نفس را انکار می کردند، بنویسید.
فلاسفه این جریان، انسان را یا یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند.
- ۷- نظریه دکارت در مورد نفس و بدن را بنویسید.
دکارت، که درباره بدن و درباره نفس تحقیق کرده، بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار فعالیت می کند. به نظر وی «من» همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه های ماست. استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.
منظور از «من» در فلسفه دکارت، چیست؟ توضیح دهید.
- ۸- به عقیده دکارت بدن، حقیقت «من» انسان را تشکیل نمی دهد. از نظر دکارت، «من» همان «روح» یا «نفس» است که مرکز اندیشه های ماست. از نظر دکارت، روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند.

۹- دوگانگی ذهن و بدن در فلسفه دکارت را شرح دهید.

از نظر دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا بوده و خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگرند و روح از بدن استفاده می کند. به نظری، روح از قوانین فیزیکی آزاد است اما بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند و آزاد نیست.

۱۰- کانت چگونه توانست به اثبات حقانیت نفس انسان پردازد؟

کانت، با استدلال دیگری که با استدلال دکارت متفاوت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت و از این راه نفس مختار و اراده آزاد انسان را اثبات کرد. به عقیده وی، انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است و یک چنین ویژگی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. پس، اختیار ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است.

۱۱- دیدگاه ماتریالیست ها در مورد انسان را بنویسید.

ماتریالیست ها فیلسوفانی هستند که معتقدند همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ماده ساخته شده است. به عقیده آنها، همه موجودات، از جمله انسان، فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعد مادی و جسمانی است. و ذهن و روان هم چیزی جز مغز و سلسله اعصاب انسان نیست. طبق این دیدگاه، انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن.

۱۲- دیدگاه هابز و مارکس درباره انسان را با هم مقایسه کنید.

هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند مارکس، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.

۱۳- دیدگاه هابز درباره ذهن بشر را بنویسید.

هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند

۱۴- مارکس، انسان را چگونه موجودی می دانست؟

مارکس، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند و نیازهایی مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند.

۱۵- دیدگاه داروینیست ها در مورد انسان را بنویسید.

داروینیست ها، عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند، و از نظریه داروین درباره پیدایش حیات، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند. داروینیست ها، می گویند «انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت» با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و همان طور که یک کرم با یک پرنده تفاوت ندارد و هر دو حیوان شمرده می شوند، انسان نیز با آنها تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد.

۱۶- به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها، دلیل توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی ناشی از چیست؟

به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده و زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

۱۷- از نظر داروینیست ها و ماتریالیست ها، چرا نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد و دلیل گرایش انسان به فضائل اخلاقی چیست؟
از نظر آنان چون تفاوت واقعی ای میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد. و اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه کرده، به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد، بلکه به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند و این زیست اجتماعی آنها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است تا بتوانند با هم زندگی کنند.

۱۸- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|--|-----------------|
| الف) نظر دقیق و روشن درباره انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب وی ابراز شد . | ۱- ارسطو |
| ب) به عقیده وی قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. | ۲- نفس |
| ج) مرکز اندیشه ها به عقیده دکارت | ۳- زیست اجتماعی |
| د) به نظر دکارت ماشینی پیچیده است که بطور خودکار فعالیت می کند. | ۴- روح |
| و) به نظر دکارت، از قوانین فیزیکی آزاد است . | ۵- بدن |
| ه) به نظر کانت ، اختیار ویژگی آن است، . | ۶- افلاطون |
| ی) منشاء و دلیل فضیلت گرایی به عقیده ماتریالیست ها و داروینیست ها | ۷- من |

الف: ۶ ب: ۱ ج: ۷ د: ۵ و: ۴ ه: ۲ ی: ۳

(توضیح: در صورتی که به جای روح؛ نفس یا به جای من، نفس و روح قرار داده شود قابل قبول است)

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- کدام فیلسوف دوره یونان باستان برای اولین بار نظر دقیق و روشن درباره انسان ارائه نمود؟ افلاطون
- ۲- مجموعه آثار افلاطون منعکس کننده اندیشه های کدام فیلسوف یونانی است؟ سقراط
- ۳- این سخن از کیست؟ تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و نفس چیزی نامرئی است افلاطون
- ۴- این سخن از کیست؟ نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند و غیر فانی و جاوید است « افلاطون
- ۵- مقصود اصلی ارسطو از « ناطق » بودن انسان چیست؟ مقصود قوه تفکر و تعقل است.
- ۶- نام دو تن از فیلسوفان دوره جدید اروپا که اعتقاد دارند انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است را بنویسید. دکارت و کانت
- ۷- دو فیلسوف ماتریالیست دوره جدید اروپا را نام ببرید. هابز و مارکس
- ۸- عقاید داروینیست ها در مورد انسان نزدیک به کدام جریان فکری فلسفی بود؟ ماتریالیست ها
- ۹- به عقیده داروینیست ها، تفاوت حقیقی میان انسان و حیوانات در چیست؟ انسان با حیوانات تفاوت حقیقی جز پیچیدگی ندارد.
- ۱۰- عبارت « انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت» دیدگاه کدام جریان فکری فلسفی دوره جدید اروپا به شمار می رود؟ داروینیست ها
- ۱۱- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چرا نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد؟ چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد.

تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می باشد.

- ۱- نظر دقیق و روشن درباره انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب ارسطو ابراز شد . نادرست
- ۲- دیدگاه افلاطون در مجموعه آثار وی، به میزان زیادی، منعکس کننده اندیشه های سقراط است. درست
- ۳- مطابق دیدگاه هابز، انسان، علاوه بر بدن، دارای حقیقتی برتر است که محدودیت های بدن را ندارد. نادرست
- ۴- به عقیده افلاطون، حقیقت برتر انسان نفس است که قابل رؤیت نیست. درست
- ۵- از نظر ارسطو، نفس با ارزش ترین دارایی انسان است . نادرست
- ۶- به نظر افلاطون، توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا بدین سان نفس زیبا و به فضایل آراسته شود. درست
- ۷- به عقیده هابز، تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، نفس است و این نفس چیزی نامرئی است . نادرست
- ۸- به عقیده مارکس، نفس جزء عقلانی انسان است که او را از حیوانات متمایز می کند و غیر فانی و جاوید است « نادرست
- ۹- به عقیده ارسطو قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است، نه بدن. درست
- ۱۰- ارسطو با نظریه استادش در مورد نفس به مخالفت پرداخت . نادرست
- ۱۱- به عقیده ارسطو، بدن بدون نفس، یک موجود مرده است. درست
- ۱۲- از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت بالقوه دارد و هیچ چیز بالفعلی ندارد. درست
- ۱۳- به عقیده ارسطو، نفس، به تدریج این امور را کسب می کند و به « فعلیت » می رسد و کامل و کامل تر می شود. درست
- ۱۴- مقصود ارسطو از « ناطق » بودن انسان صرفاً سخن گفتن او نیست، بلکه مقصود اصلی، قوه تفکر و تعقل است. درست
- ۱۵- به نظر ارسطو، انسان پس از تنظیم استدلال با سخن گفتن و نطق محتوای استدلال را به دیگران منتقل می نماید. درست
- ۱۶- در دوره جدید اروپا، بر اثر غلبه تجربه گرایی بر عقل گرایی در بحث انسان شناسی یک تلقی از انسان پدید آمد. نادرست
- ۱۷- در مباحثات انسان شناسی دوره جدید اروپا، هر دو جریان تجربه گرایی و عقل گرایی بر فرهنگ و زندگی اروپاییان معاصر تأثیر گذارتری یکسان داشته است. نادرست
- ۱۸- جریان تجربه گرایی، همانند افلاطون و ارسطو، معتقد به وجود « روح » یا « نفس » است. نادرست
- ۱۹- فلاسفه جریان تجربه گرا، برای انسان دو بُعد روحی و مادی قائل اند و حقیقت انسان را روح و نفس می دانند. نادرست
- ۲۰- جریان تجربه گرا، به این سو تمایل دارند که اصولاً وجود « نفس » را انکار می کنند. درست
- ۲۱- فلاسفه جریان تجربه گرا، انسان را یا یک موجود مادی می دانند و یا نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند و از آثار و لوازم بدن به شمارمی آورند. درست
- ۲۲- کانت بدن را ماشینی پیچیده می داند که به طور خودکار فعالیت می کند. نادرست
- ۲۳- به عقیده کانت، بدن، حقیقت « من » انسان را تشکیل نمی دهد. نادرست
- ۲۴- از نظر کانت، « من » همان « روح » یا « نفس » است که مرکز اندیشه های ماست. نادرست
- ۲۵- از نظر دکارت، روح است که استدلال می کند، می پذیرد یا رد می کند. درست
- ۲۶- از نظر دکارت، روح و بدن کاملاً از یکدیگر مجزا هستند و خاصیت های متفاوت دارند، گرچه با یکدیگر هستند و روح از بدن استفاده می کند. درست

- ۲۷- به نظر دکارت، هم روح و هم بدن از قوانین فیزیکی آزاد است و هیچکدام از قوانین فیزیکی تبعیت نمی کنند . نادرست
- ۲۸- کانت، با استدلالی مشابه استدلال دکارت به اثبات حقیقت نفسانی انسان و اراده و اختیار آن پرداخت . نادرست
- ۲۹- دکارت برخلاف کانت از طریق نفس مختار و اراده آزاد انسان به اثبات حقیقت نفسانی پرداخت. نادرست
- ۳۰- به عقیده هابز، انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از وجدان اخلاقی است . نادرست
- ۳۱- به عقیده هیوم، وجدان اخلاقی بدون وجود اختیار و اراده آزاد معنا ندارد. نادرست
- ۳۲- به نظر هابز ، اختیار ویژگی نفس است، نه بدن که یک امر مادی است . نادرست
- ۳۳- دکارت و کانت، در این مورد که انسان علاوه بر بدن، یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است هم عقیده نیستند. نادرست
- ۳۴- ماتریالیست ها معتقدند که همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ماده ساخته شده است. درست
- ۳۵- به عقیده ماتریالیست ، همه موجودات فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعد مادی و جسمانی است. درست
- ۳۶- ماتریالیست می گویند ذهن و روان چیزی فراتر از مغز و سلسله اعصاب انسان است. نادرست
- ۳۷- از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن. درست
- ۳۸- هابز و مارکس در زمره فلاسفه عقل گرا دوره جدید اروپا به شمار می آیند. نادرست
- ۳۹- هابز و مارکس در زمره فلاسفه ماتریالیست دوره جدید اروپا به شمار می آیند . درست
- ۴۰- هابز، ذهن بشر را یک ماشین پیچیده مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند . درست
- ۴۱- مارکس، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند . درست
- ۴۲- به عقیده مارکس نیازهای انسان مانند نیاز به اجتماع و قانون و نیاز به اخلاق، همه به خاطر نیازهای مادی پیدا شده اند. درست
- ۴۳- داروینیست ها، عقایدی نزدیک به ماتریالیست ها دارند. درست
- ۴۴- فیلسوفانی که از نظریه داروین درباره پیدایش حیات، تحول تدریجی موجودات زنده و پیدایش انسان از حیوان، نتایج فلسفی گرفتند، ماتریالیست نامیده می شوند. نادرست
- ۴۵- به عقیده ماتریالیست انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت . نادرست
- ۴۶- به عقیده داروینیست ها انسان از تفاوت حقیقی با حیوانات جز پیچیدگی ندارد. درست
- ۴۷- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، چون تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، لذا نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد. درست
- ۴۸- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها ، توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی به این دلیل است که فضیلت گرایی در روح و فطرت او وجود دارد. نادرست
- ۴۹- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، توجه انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی به این دلیل است که انسان ها، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده اند .
- ۵۰- به نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها، زیست اجتماعی است که انسان ها را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است. درست

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- نظر دقیق و روشن دربارهٔ انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب ابراز شد . افلاطون
- ۲- افلاطون به صورت روشن بیان کرد که انسان علاوه بر بدن، دارای ... برتر است که های بدن را ندارد.حقیقتی - محدودیت
- ۳- به عقیده افلاطون،حقیقت برتر انسان ، است که قابل نیست. نفس - رؤیت
- ۴- به عقیده افلاطون،تنها موجودی که به طور خاص دارای عقل و خرد است، ... است و این نفس چیزی ... است. نفس - نامرئی
- ۵- به عقیده افلاطون، جزء عقلانی انسان ... اوست که است . نفس - جاوید (غیرفانی)
- ۶- از نظر ارسطو نفس انسان در هنگام تولد، حالت ... دارد و هیچ چیز ندارد. بالقوه - بالفعلی
- ۷- دکارت، ، بدن را پیچیده می داند که به طور فعالیت می کند. ماشینی - خودکار
- ۸- به عقیده دکارت بدن، حقیقت « من » انسان را تشکیل نمی دهد.
- ۹- از نظر دکارت، « من » همان یا است که مرکز اندیشه های ماست. روح - نفس
- ۱۰- به نظر دکارت، از قوانین فیزیکی آزاد است اما مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی تبعیت می کند . روح- بدن
- ۱۱- به عقیده ، انسان یک موجود اخلاقی و برخوردار از اخلاقی است . کانت - وجدان
- ۱۲- و اعتقاد دارند که انسان علاوه بر بدن،یک حقیقت روحانی برتر دارد که اختیار و اراده مربوط به آن است. دکارت - کانت
- ۱۳- ماتریالیست ها فیلسوفانی هستند که معتقدند همه موجودات، از جمله انسان، از نوعی ساخته شده است. ماده
- ۱۴- به عقیده ماتریالیست،همه موجودات،از جمله انسان فقط یک بُعد و یک ساخت دارند که همان بُعدو است.مادی - جسمانی
- ۱۵- ماتریالیست می گویند و چیزی جز مغز و سلسلهٔ اعصاب انسان نیست. ذهن - روان
- ۱۶- از نظر ماتریالیست ها انسان یک ماشین بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن. مادی
- ۱۷-،ذهن بشر را یک ماشین پیچیدهٔ تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی،مثل موتور اتومبیل، کار می کند هابز- مادی
- ۱۸- ، انسان را فقط یک موجود مادی می دانست که نیازهای اصلی او را نیازهای مادی تشکیل می دهند . مارکس
- ۱۹- داروینیست ها،عقایدی نزدیک به دارند و از نظریهٔ داروین دربارهٔ پیدایش حیات، نتایج گرفتند. ماتریالیست ها - فلسفی
- ۲۰- از نظر و ، تفاوت واقعی میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد. ماتریالیست ها- داروینیست ها
- ۲۱- از نظر و داروینیست ها توجه انسان به اخلاق به این دلیل نیست که فضیلت گرایی در روح و او وجود دارد. ماتریالیست ها - فطرت
- ۲۲- از نظر ماتریالیست ها و توجه انسان به اخلاق به این دلیل است که انسان ها، وارد.... اجتماعی شده اند. داروینیست ها - زندگی (زیست)
- ۲۳- از نظر ماتریالیست ها و داروینیست ها اجتماعی است که انسان ها را وادار به ابداع اصولو رعایت آنها کرده است . زیست - اخلاقی

سوالات تستی

- ۱- نظر دقیق و روشن دربارهٔ انسان، در دوره یونان باستان، اولین بار از جانب ابراز شد و ذهن بشر را یک ماشین پیچیدهٔ مادی تلقی می کرد که شبیه یک دستگاه مکانیکی، مثل موتور اتومبیل، کار می کند.
- ۱) افلاطون - مارکس ۲) ارسطو - هابز ۳) ارسطو - مارکس ۴) افلاطون - هابز گزینه ۴
- ۲- نظراسطو در مورد نفس نظر افلاطون است و کانت، با استدلال دیگری که با استدلال دکارت بود، به اثبات حقیقت نفسانی انسان واراده و اختیار آن پرداخت .
- ۱) موافق - مشابه ۲) مخالف - متفاوت ۳) مخالف - متفاوت ۴) موافق - متفاوت گزینه ۴
- ۳- کدام گزینه در مورد نفس نزد جریان تجربه گرا درست نیست ؟
- ۱) اصولاً وجود « نفس » را انکار می کنند. ۲) نفس را چیزی فرعی نسبت به بدن تلقی می کنند .
- ۳) اصولاً نفس را مرکز اندیشه های بشر می دانند. ۴) نفس را از آثار و لوازم بدن به شمار می آورند. گزینه ۳
- ۴- مفهوم « من » نزد دکارت بیانگر است که مرکز ما است .
- ۱) ذهن - اندیشه های ۲) نفس - اراده های ۳) ذهن - اراده های ۴) نفس - اندیشه های گزینه ۱
- ۵- کدام مطلب بر دوگانگی ذهن و بدن نزد دکارت دقیق تر اشاره می کند ؟
- ۱) ذهن تنها مجموعه ای از سلول های مغزی است که افکار را جمع و جور می کنند و به یکدیگر مرتبط می سازند.
- ۲) ذهن و بدن دو چیز متفاوت اند و کاملاً از یکدیگر مجزاً هستند .
- ۳) هم ذهن و هم بدن مانند دیگر اجسام از قوانین فیزیکی پیروی می کند و آزاد نیستند.
- ۴) ذهن و بدن دو چیز متفاوت اند اما کاملاً از یکدیگر مجزاً نیستند . گزینه ۲
- ۶- کدام گزینه در مورد فلسفه ماتریالیسم درست نیست ؟
- ۱) من همان ذهن است که مجموعه ای از سلول های مغزی است که فعالیت اثبات، قضاوت و جمع کردن افکار را به عهده دارد.
- ۲) انسان نهایتاً مانند یک ماشین بسیار پیچیده است، نه چیزی فراتر از آن
- ۳) میان انسان و رایانه تفاوت حقیقی ای وجود ندارد؛ تفاوت این دو فقط در میزان پیچیدگی شان است.
- ۴) براساس اعتقاد به ماده انسان را نوعی ماشین می داند. گزینه ۱
- ۷- عبارت « انسان چیزی نیست، جز یک حیوان راست قامت » نظر کدام مکتب فلسفی است ؟
- ۱) مکتب اگزیستانسیالیست ۲) مکتب ماتریالیسم ۳) مکتب داروینیست ۴) مکتب دکارتی گزینه ۳
- ۸- از دیدگاه داروینیست چه چیزی انسان را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است ؟
- ۱) فضیلت گرایی فطری ۲) ویژگی های متمایز روحی ۳) تمایلات فطری ۴) زیست اجتماعی گزینه ۴
- ۹- محتوای کدام عبارت با نظریه داروینیست در مورد انسان سازگار است ؟
- ۱) چون تفاوت واقعی ای میان انسان و سایر حیوانات وجود ندارد، نمی توان برای انسان ارزش ویژه ای قائل شد.
- ۲) اگر انسان به اخلاق و فضائل اخلاقی توجه کرده، به این دلیل است که فضیلت گرایی در نهاد و فطرت او وجود دارد.
- ۳) هرچند فضیلت گرایی در نهاد انسان نیست اما وی ناچار، وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده نشده است.
- ۴) این نظریه که زیست اجتماعی انسان را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آنها کرده است، درست نیست. گزینه ۱